

نوشته - دکتر بهروز اخلاقی

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی

بحثی پیرامون مفهوم اسناد تجاری

قلمرو تجارت، به منظور تأمین نیازهای خاص خود، از دیرباز دست به ساختن نهادها و پرداختن و ترکیب کردن اصول و قواعد، ابزار و وسائلی زده تا پدیده‌های ویژه خود را هماهنگ با مقتضیات دنیای خاص خود در آن‌ها قالب‌گیری کند. اعمال تجاری، تجارت، شرکت‌های بازرگانی، قراردادهای تجاری، ورشکستگی تجاری و غیره مفهومی سواى مفهوم اعمال حقوقی عادی و عقود قراردادهای مدنی دارد. حقوق تجارت، به ویژه در کشورهای که رشته مستقلی از حقوق خصوصی را تشکیل می‌دهد،^۱ طرف‌ها و قالب‌هایی برای موضوعات خود ساخته که قابلیت گنجایش در ظروف و قالب‌های حقوق مدنی را غالباً ندارند و هر گونه تلاش به منظور تحلیل مسائل از دیدگاه حقوق مدنی و انطباق با نهادهای آن اکثراً^۲ عبث و بیهوده می‌نماید.

وضع در مورد اسناد تجاری نیز به همین منوال است. اسناد و اوراقی که وسیله معاملات بازرگانان و ابزار مبادلات تجارت بین‌المللی را تشکیل می‌دهد نیز با اسناد و اوراقی که اشخاص عادی در زندگی خود آنها را وسیله حل و فصل موضوعات حقوقی خود قرار می‌دهند، فرق می‌کند. توضیح اینکه لازمه اعمال تجاری سرعت است. در معاملات تجاری، پرداخت‌ها ندرتاً^۳ نقدی و اکثراً^۴ بوعده است. تشریفات کند تنظیم اسناد رسمی و انجام عقود قراردادهای مدنی با طبیعت اعمال تجاری چندان سازگار نیست. اسناد عادی نیز تضمین

۱ - دکتر آذر کیوان آذری، نقدی بر ماده ۳ قانون تجارت، نشریه دانشکده حقوق

و علوم سیاسی، شماره ۲۵ بهمن ماه ۱۳۵۶، ص ۸.

Georges Ripert, Traite elementaire de droit commercial, Feme edition, 1973,

p.1.

و اطمینان کافی را فراهم نمیسازد. پول اعم از کاغذی و فلزی هم باتوجه به حجم ثمن معاملات از یکطرف و خطرات حمل و نقل آن از طرف دیگر و بالاخره امکان تبدیل آن به پول خارجی، در صورتیکه تجارت جنبه بین‌المللی داشته باشد، پیوسته اشکالاتی را بوجود می‌آورد. باتوجه به این ملاحظات، بازرگانان به فکر چاره افتاده، نهادها، ابزار و وسائلی خلق کرده‌اند تا از یک سو سرعت لازمه اعمال آنها را تأمین کند و از سوی دیگر تضمینات کافی برای آنها ایجاد نماید. از جمله این نهادها و ابزار و وسائل میتوان اسناد تجاری را نام برد.

* * *

« اسناد تجاری، به معنای عام کلمه، اسنادی است که معرف طلب یا مالی بوده بنبهوی از انحاء در قلمرو تجارت مورد استفاده قرار میگیرد مثل اسکناس، برات، سفته، چک، اوراق قرضه، اسناد خزانه، قبض انبارهای عمومی، سهام شرکتهای تجاری، بارنامه و غیره. به این تعبیر، اسناد مذکور از جمله وسائلی بشمار می‌آیند که در میان توده انبوه اموال منقول و غیر منقول که سرمایه جامعه ای را تشکیل میدهد، بگردش درآمده، امکان نقل و انتقال دارائی و موجبات ضمانت و مشارکت اشخاص را در امر تجارت بطور کلی فراهم میسازد. بعبارتی دیگر، این اسناد سرمایه نوینی را با امکان ترکیب های گوناگونی از آن تشکیل می دهد^۱

در میان توده انبوه اسناد تجاری بمعنی عام کلمه، اسناد تجاری بمعنی اخص، مقام و موقعیتی ویژه دارند. در طی این مقاله کوشش شده، حدود و ثغور مفهوم اسناد دسته اخیر را روشن نموده، تعریفی از آن بعمل آوریم. این اسناد وجوه اشتراکی دارند، ضمن شرح مختصر این وجوه، سعی میشود وجوه افتراق آنها را از سایر اسناد تجاری مطرح سازیم. و بالاخره مزایای آنها را یادآور شده، مصادیقشان را متذکر گردیم.

در طرح این کلیات و در ورود به مطلب اشاره به چند نکته را ضرور میدانند:
اولاً: حقوق تجارت ما پیوندهای دیرین و عمیقی با حقوق فرانسه دارد. این امر ما را در طرح و بررسی مواد قانون تجارت ناگزیر میسازد تا به منظور حل و فصل و تفسیر مواردی که ابهام یا اجمال یا تناقض در آنها مشاهده میشود به قانون مادر یا منبع اصلی آن توسل جوئیم.

ثانیاً: توسعه روزافزون روابط بازرگانی کشور ما با بسیاری از کشورها که اصول و

(1) P. Lescot - R. Roblot, Les effets de commerce, T. 1, p. 1.

روبه های حقوق تجارت آمریکائی - انگلیسی را مد نظر دارند ، بازرگانان ، دادگاهها ، و کلای دادگستری ما را با مفهیم و قواعدی روبرو ساخته که بعضاً " منبعث از حقوق انگلوساکسن است . از اینرو ضمن شرح مطالب ، درحد امکانات و ضرورت کوشش شده تا منابع انگلیسی نیز مورد استفاده قرار گیرد .

تالشاً : " هم گونی حقوق تجارت ایران با بسیاری از کشورهای اسلامی عربی که از حقوق تجارت فرانسه یا قرارداد بین المللی ژنو ۱۹۳۰ تاثیر پذیرفته اند ، مارا برآن داشته تا در برداشت خود از مفهوم و مقام و موقعیت موضوع مورد بحث ، توجهی به حقوق تجارت این کشورها بویژه ، مصر ، لبنان ، سوریه و عراق داشته باشیم .

نگارنده را این عقیده نیست که پاسخ درست و روشنی برای بسیاری از پرسشهایی که در این زمینه مطرح است یافته باشد ولی امیدوار است با این بررسی ، درحد خود ، با توجه به افزایش چشمگیر حجم معاملات و مبادلات بازرگانی ایران طی سالهای اخیر و جنبش و تحرک بی سابقه بازار تجارت که رونق کاذب داد و ستد اسناد تجاری را جلوه گر ساخته نتیجتاً موجب افزایش کمی و نوعی آنها شده ، کمکی به طرح موضوع و گشایش باب بحث و انتقاد در حقوق تجارت ایران کرده باشد .

بحث از اسناد تجاری در کلیه کتب حقوقی فرانسه تحت عنوان

و در تالیفات حقوقی انگلیس بنام

صورت می پذیرد .

مقننین و مولفین تجاری کشورهای عربی اکثراً " عنوان " الاوراق التجاریه " و استثنائاً " الاسناد التجاریه " را به موضوع اطلاق کرده اند .

قانون تجارت ایران مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ ، در موارد مختلف از اسناد تجاری نام می برد ولی همواره از ذکر نام دقیق و تعریف کلی آن غافل مانده است . بهمین جهت قوانین مختلف در ایران ، حقوقدانان و عامه مردم نه تنها در مورد مفهوم آن جزئی ندارند بلکه حتی در وجه تسمیه آن نیز تردید دارند . جمعی آنها را اسناد تجاری یا تجارتی^۱ برخی اوراق تجاری^۲ ، گروهی اسناد و اوراق تجارتی و بالاخره بعضی اسناد بازرگانی^۳ یا اسناد و مدارک تجارتی^۴ نامیده اند .

۱ - دکتر عبدالحمید اعظمی زنگنه ، جزوه حقوق بازرگانی ، چاپ دوم ، ص ۲۲۱ ،

دکتر حسن ستوده تهرانی ، حقوق تجارت ، جلد سوم ، ص ۳ .

دکتر حسینقلی کاتبی ، حقوق تجارت ، چاپ چهارم ، ص ۱۸۲ ،

دنباله پاورقی در صفحه بعد



قانون تجارت ایران، اگرچه باب مستقلی از ابواب خود را به این موضوع اختصاص داده‌ولی در ذکر عنوان غفلت ورزیده، در بکار بردن الفاظ نیز قاطعیتی از خود نشان نداده است. در بحث از برات بدون تعریف و ذکر ماهیت آن، شرایط شکلی آنرا می‌شمارد. در مبحث سفته می‌گوید:

" فته طلب سندی است که بموجب آن امضاء کننده تعهد میکند مبلغی "

" در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا بحواله "

" کرد آن شخص کارسازی نماید " ^۱

در بحث از چک می‌نویسد:

" چک نوشتۀ ایست که بموجب آن صادر کننده وجوهی را که در نزد "

" محال علیه دارد کلاً " یا بعضاً " مسترد یا بدیگری واگذار مینماید " ^۲

و عنوان باب پنجم از ابواب قانون تجارت را " اسناد در وجه حامل " قرارداده اشعار می‌دارد:

" دارنده هر سند در وجه حامل مالک و برای مطالبه آن محق محسوب "

" میشود مگر در صورت ثبوت خلاف ... " ^۳

و بالاخره در تبصره ماده ۲۴۴، ضمن بحث از موعود پرداخت برات تصریح

می‌کند که:

دنباله پاورقی صفحه قبل

محمدعلی عبادی، حقوق تجارت، چاپ سوم، ص ۱۹۳، .

۲- دکتر ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، چاپ سوم، ص، ۲۹۰.

۳- دکتر منصور راستین، حقوق بازرگانی، چاپ سوم، ص ۲۳۷.

۴- دکتر حسینقلی کاتبی، کتاب یاد شده، ص ۱۸۳.

۱- ماده ۳۰۷ ق. ت.

۲- ماده ۳۱۰ ق. ت.

۳- ماده ۳۲۰ ق. ت.

" همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتي رعایت خواهد شد ."

در مورد سایر مقررات تجاری ناظر به موضوع نیز وضع بهمین منوال است . از جمله ماده ۲۰۶ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۲۸ اسفند ماه ۱۳۴۵ مقرر میدارد که :

" از کلیه اسناد تجارتی قابل انتقال که در ایران صادر یا معامله و مورد " استفاده قرار داده میشود . . . "

و ماده ۲۰۹ همین قانون متذکر میشود که :

" از اوراق مشروحه ذیل نسبت به مبلغ آنها معادل دو در هزار حق تمبر " اخذ میشود . . . "

قانون صدور چک مصوب ۱۶ تیرماه ۱۳۵۵ در ماده اول خود دلالت دارد براینکه :

" چک های صادر عهده بانک هائی که طبق قوانین ایران در داخل کشور " دائر شده یا می شوند همچنین شعب آنها در خارج از کشور در حکم اسناد " لازم الاجراء است . . . "

بالاخره ماده ۱۴۳ قانون آئین دادرسی مدنی در بند ۷ مقرر می دارد که :

" منازعات و اختلافات راجعه با اجرای احکام و برگه های لازم الاجرای " ثبت اسناد " مشمول قواعد دادرسی اختصاری میشود . "

چنانکه ملاحظه میشود ، بحث از اسناد تجاری ، در بدو امر ، مارا بامبحث الفاظ از نقطه نظر اصولی روبرو می سازد . این مطلب از جهت حقوقی ، بویژه هرگاه مساله جنبه کیفری بخود بگیرد ، حائز اهمیت خاصی است^۱ . زیرا در قلمرو حقوق نسبت دلالت الفاظ بامعانی مقام و موقعیت ممتازی دارد و وضع و استعمال الفاظ مشترک و مترادف از این جهت و باتوجه به مبانی استنباط ، به علت اینکه " مجمل و مخل به تفهیم و تفهم و منافی حکمت

۱ - ماده ۱۰۶ قانون مجازات عمومی ناظر براین موضوع است که :

" هرکس به یکی از طرق مذکوره در اسناد یا نوشتجات غیر رسمی جعل "

" یا تزویر کند به حبس جنائی درجه دو از ۲ تا ۱۰ سال محکوم خواهد "

" شد . . . "

۲ - دراین مورد به رای هیات عمومی دیوانعالی کشور شماره ۷۴ مورخ ۲۷/۱۰/۴۶ توجه شود .

وضع است"، انکار شده، اشکالاتی را موجب می‌گردد.

بامرور مواد قانون تجارت، ممکن است این تصور پیش آید که قانونگذار تجاری با وضع الفاظ متعدد بامعانی متحد، دچار ترادف شده، باوضع قوانین متفرقه دیگری بهدامنه این امر دامن زده است. من جمله در قانون مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ سفته را سند می‌شناسد و از چک بوصف نوشته یاد می‌کند و در باب پنجم از "اسناد در وجه حامل" سخن به میان می‌آورد و در تبصره ماده ۲۴۴، ناظر به موعد پرداخت مقرر می‌دارد که "همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتي نیز رعایت خواهد شد."

بعلاوه در سایر قوانین متفرقه، اعم از تجاری کیفری و مالیاتی، قانونگذار الفاظ دیگری از قبیل "نوشتجات" و برگها را عنوان می‌نماید...

بناءً علیهذا، قانونگذار باوضع الفاظ متعدد یادشده، این مسائله را مطرح ساخته است که آیا سند، ورقه، نوشته و برگه... را باید برمعنای واحدی حمل کرد و یا اینکهوجه افتراقی بین آنها وجود دارد؟ برمبنای این اشکال، اگر از الفاظ مذکور یک معنی اراده شود، شاید بتوان قائل به ترادف شده، چنین گفت که: ذکر کلمات مترادف، دارای مفهوم واحد در قانون غیر معقول^۲ و حتی به عقیده گروهی^۳ ممتنع تلقی شده چه

"اصل در تعدد مسمیات، تعدد اسماء است، اگر لفظ متعدد و معنی متحد باشد، لزوماً یکی از دو لفظ بیهوده و منافی حکمت وضع و منظور نظر شارع خواهد بود."^۴
اشکالات لفظی یاد شده را در مورد قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ تا حدودی میتوان

— علامه‌المجتهدین استاد محمد سنگلجی، ضوابط و قواعد معاملات و کلیات عقود و ایقاعات، چاپ چهارم، ص ۱۶۸ بعد، استاد محمود شهبابی، تقریرات اصول، ص ۳۱ به بعد.

۲ — رای هیات عمومی دیوان عالی کشور — یادشده از صفحات قبل

۳ — استاد محمد سنگلجی، کتاب یادشده، ص ۱۷۱، بنظر استاد محمد شهبابی ترادف امری محال و ممنوع نمی‌باشد لیکن وقوع آن خالی از نامل نیست بلکه قابل تردید و تشکیک است.

(استاد شهبابی، دورساله: وضع الفاظ و قاعدهء لاضرر پاپ دوم، ص ۱۲۳.)

۴ — استاد محمد سنگلجی، کتاب یادشده، ص ۱۷۱.

وجه دانست ولی در مجموع شاید بتوان در صدد رفع آن برآمد زیرا :

اولاً " : درست است که قانون تجارت سفته را سند محسوب کرده و چک را باوصف نوشته یاد می‌کند ولی این دلیل برآن نیست که قانونگذار قائل بعموم و خصوص دراین مورد شده باشد ، چه توصیف چک به نوشته ، مانع از سند بحساب آمدن آن نمی‌شود ، زیرا هر نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد ، از نظر قانونی ، سند محسوب است و چک نیز هرگاه چنین خصوصیتی را دارا باشد ، لامحاله سند محسوب خواهد شد .

ثانیاً " : تحقق مترادف ، چنانکه میدانیم مشروط به شرائطی است از جمله اینکه وحدت معنی ، وحدت واضع و تعدد لفظ مصداق پیدا کند و مهمتر از همه آنکه الفاظ مترادف از یک لغت و وضع آن در یک زمان باشد^۱ و در اکثر موارد یاد شده جمع شرائط مذکور محقق نیست ، مثلاً " الفاظ فارسی نوشتجات بازرگانی را نمیتوان مترادف اسناد تجاری قلمداد نمود بلکه معادل یکدیگرند .

ثالثاً " : از نقطه نظر اصول و مبانی الفاظ ، چنانکه میدانیم ، هرگاه واضع شخص معین نباشد بلکه بر اثر کثرت استعمال لفظی در معنی ، آن لفظ برای آن معنی ، تعیین یابد ، بطوریکه از شنیدن آن لفظ ، آن معنی بذهن متبادر گردد ، وضع تعینی یا تخصصی تحقق یافته است^۲ . در اکثر موارد یاد شده بالا ، الفاظ موضوعه بر حسب موارد اینکه موضوع تجاری ، کیفری یا مالیاتی بوده از یکطرف و بر حسب واضعین که در زمانهای مختلف معین نمی‌باشند ، چنین وضعی بمنصه ظهور رسیده است .

رابعاً " : از نقطه نظر حقوقی ، اصولاً " الفاظ را حمل بر معانی عرفیه می‌کنند^۳ و عرف سند ، ورقه ، نوشته و برگه را در عرض هم قرار داده از اعتبار یکسانی برخوردار می‌داند . خامساً " : در کلیات مبانی حقوق کشور ما ، بر حسب قانون^۴ ، یکی از ادله ششگانه

۱ - استاد محمود شهبابی ، دورساله ، ص ۳۶ .

۲ - استاد محمود شهبابی ، دورساله ، ص ۲۵ .

۳ - قانون مدنی ، ماده ۲۲۴ .

۴ - قانون مدنی ، جلد سوم ، ماده ۱۲۵۷ .

دعوی " اسناد " قرار داده شده ، این کلمه در موارد مختلف رسمیت یافته است .
سادسا : " قانون تجارت ، در اکثر موارد با وضع قوانین مختلف و مولفین
حقوق تجارت ، گرایش بیشتری به بکار بردن کلمه اسناد نشان میدهند .
« سابعا : " اطلاق کلمه اوراق به پارهای از اسناد مثل اوراق قرضه ، اوراق بهادار یا
قبوض انبارهای عمومی که خود عناوین مستقل تجاری را تشکیل میدهند ، مانع از خروج
آنها از دائرة شمول اسناد تجاری نمیشود .

باتوجه به ملاحظات فوق و اینکه لفظ سند عنوان حقوقی یافته ، اعتبار و حیثیت
بیشتری را متبادر به ذهن حقوقدان می‌سازد ، لهذا اشکالات یادشده را نادیده گرفته ،
دراین مقام ، " اسناد تجاری " را مرجحا " بر سایر عناوین مناسبتر تشخیص دادیم و برای
آنکه مفهوم آنرا بهتر دریافته ، ویژه‌گی های آنرا بررسی نمائیم ، مقدماتا " لازم دیدیم
مفهوم و مصادیق اسناد را بطور کلی و بنحو اختصار یادآور شویم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بند اول - مفهوم و مصادیق اسناد بطور کلی

به موجب ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی: " سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد ."

در این تعریف هم قید جامعیت شده و هم قید مانعیت . بعبارت دیگر هر نوشته ای سند محسوب نمیشود ، بلکه یا باید در مقام دعوی قابل استناد باشد و یا در مقام دفاع پس نوشته ای که به نحوی از انحاء از درجه اعتبار ساقط شده ، نتیجتاً قابل استناد نیست سند محسوب نمیشود .^۱

نوشته ای که از نقطه نظر قانونی سند محسوب میشود ، قاعدتاً " و علی الاصول بوسیله شخص یا اشخاصی که در ایجاد آن دینفع می باشند ، تنظیم میشود . در صورتیکه سندی بدون دخالت اشخاص ذینفع نوشته شود ، از نقطه نظر قانون مدنی سند بمعنی اخص کلمه محسوب نشده ، بلکه شهادتنامه خوانده میشود . طبق ماده ۱۲۸۵ ق . م . : " شهادتنامه سند محسوب نمیشود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت ."

-
- ۱ - برای اطلاع بیشتر در این زمینه به منابع زیر مراجعه شود :
 - دکتر سیدعلی شایگان : حقوق مدنی ایران ، چاپ چهارم - شماره ۲۵۸ - ۲۱
 - دکتر سیدحسن امامی : حقوق مدنی - جلد اول ۲۰۲... .
 - دکتر ناصر کاتوزیان : مقدمه علم حقوق . چاپ سوم - شماره ۳۱۵ - ۲۸۹

اسناد را از جهات مختلف میتوان تقسیم بندی کرد . از نقطه نظر قانون مدنی سند بر دوتی نوع است : رسمی و عادی^۱ .

الف - اسناد رسمی

" اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی یا

" در نزد سایر مامورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و برطبق

مقررات قانونی تنظیم شده باشد رسمی است"^۲

بنابراین صریح فوق ، اسناد رسمی به سه دسته تقسیم می شوند :

۱- اسناد اداره ثبت اسناد و املاک ،

۲- اسناد دفاتر رسمی .

۳- اسناد سایر مامورین رسمی .

از مفاد ماده ۱۲۸۷ ق . م . چنین مستفاد میشود که برای اعتبار اسناد رسمی چند شرط لازم است : اول اینکه سند وسیله مامور رسمی دولت تنظیم شود . دوم اینکه تنظیم چنین سندی در حدود صلاحیت مامور رسمی باشد و سوم اینکه مقررات قانونی در تنظیم چنین سندی رعایت شده باشد . بشرائط سه گانه فوق ، شرط دیگری باید افزود و آن اینکه چنین سندی نباید مخالف قوانین باشد .^۱

تخلف از هر یک از شرائط یاد شده سند را از اعتبار لازمه اسناد رسمی ساقط می کند . بناء علیهذا " هرگاه سند بوسیله اشخاص عادی تنظیم شده یا اداره ثبت اسناد و املاک ، شناسنامه صادر نموده یا مرجع صلاحیتدار دولتی ، تشریفات لازمه تنظیم اسناد رسمی را رعایت نکند ، سند ، سند رسمی محسوب نمیشود .^۲

۱ - ماده ۱۲۸۶ ق . م .

۲ - ماده ۱۲۸۷ ق . م .

۱ - دکتر ناصر کاتوزیان ، کتاب یاد شده ، ص ۲۸۸ - ۲۸۷ .

۲ - طبق صریح ماده ۱۲۹۳ ق . م . ، چنین سندی در صورتیکه دارای امضاء یا مهر طرف باشد عادی است .

اسناد رسمی از جهت اعتبار و قدرت اجرائی از امتیازاتی برخوردارند :
اولاً: "در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد ، انکار و تردید
سموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت نسبت با اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد
مزبور بجهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است^۱ . ادعای جعلیت یا نادرست بودن
امضاء یا مفاد اسناد رسمی کاری بس مشکل و خطرناک است ، زیرا اگر مدعی جعلیت از عهده
اثبات امر بر نیاید ، علاوه بر محکوم شدن به مخارج محاکمه بعنوان مفتري تحت تعقیب
جزائی قرار گرفته ، رسیدگی به ادعای او با تشریفات خاصی انجام خواهد پذیرفت^۲ .

بعلاوه اگر شخصی که سند رسمی علیه او ابراز شده ، در رسمیت سند و اصالت آن
ادعائی نداشته باشد و فقط بخواهد مندرجات آنرا منکر شود باز ناگزیر از ادعای جعلیت
است و این امر نیز همان مشکلات و مخاطرات انکار و تردید را بهمراه خواهد داشت چه
اظهارات مامورین رسمی اعتبار مخصوص داشته صرف ادعای بطلان نمیتوان آنرا خالی از
صحت شمرد^۳

ثانیاً " اسناد رسمی درباره طرفین و وراثت و قائم مقام آنان معتبر است و اعتبار
آنها نسبت به اشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد^۴ .
از جمله موارد مصرحه قانونی ، ماده ۱۳۰۵ ق.م.ا.ست . مطابق ماده مذکور: " در
اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه اشخاص ثالث . . . "

همچنین بموجب ماده ۷۲ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ اسفند ۱۳۰۵
" کلیه معاملات راجعه باموال غیر منقوله که بر طبق مقررات راجعه به ثبت املاک ثبت
شده است ، نسبت به طرفین معامله و قائم مقام قانونی آنها و اشخاص ثالث دارای اعتبار
کامل و رسمیت خواهد بود " .

۱ - ماده ۱۲۹۲ ق.م.ا.

۲ - به مواد ۳۷۹ بعد قانون آئین دادرسی مدنی مراجعه شود .

۳ - دکتر سیدعلی شایگان ، کتاب یادشده ، ص ۱۳۵ .

۴ - ماده ۱۲۹۰ ق.م.ا.

ثالثاً: "تعهدات مندرج در اسناد رسمی، در صورتیکه منجز و قابل مطالبه باشد، مستقلاً و بدون مراجعه به محاکم لازم الاجراء است و ذینفع سند میتواند از دفتر اسناد رسمی یا اداره ثبت درخواست صدور اجرائیه کند. طبق ماده ۹۲ قانون ثبت اسناد و املاک:

"مدلول کلیه اسناد رسمی راجع بديون و سایر اموال منقول. بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه لازم الاجراء است مگر در مورد تسلیم عین منقولی که شخص ثالثی متصرف و مدعی مالکیت آن باشد."

بدیهی است در این مورد، هرگاه مدیون سند رسمی دستور اجرای آنرا مخالف با مفاد سند یا مخالف قانون دانسته یا از جهت دیگری شکایت از دستور اجرای آن داشته باشد در اینصورت میتواند بترتیب مقرر در آئین دادرسی مدنی اقامه دعوی نماید.^۱

ب- اسناد عادی

غیر از اسناد مذکور در ماده ۱۲۸۲ که فوقاً ذکر شد، سایر اسناد، عادی است.^۲ تنظیم اسناد عادی جز در موارد خاصی، هیچ نوع تشریفات را لازم ندارد و طرفین میتوانند هرطور که مایلند سند خود را تنظیم کنند. قانون مدنی علاوه بر حکم کلی خود در ماده ۱۲۸۹، عادی بودن پاره‌ای از اسناد را بشرح زیر متذکر شده است:

۱- هرگاه سند بوسیله یکی از مامورین رسمی تنظیم اسناد تهیه شده، لیکن مأمور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرر در قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد، سند مزبور در صورتی که دارای امضاء یا مهر طرف باشد عادی است.^۳

۲- دفاتر تجاری نیز از اسناد عادی است. اعتبار دفاتر تجاری باین عنوان در دو مورد مصادق پیدا میکند:

الف- در دعوی تاجر بر تاجر دیگر- دفاتر تجاری در مورد دعوی تاجر بر تاجر دیگر در صورتیکه از محاسبات و مطالبات تجاری حاصل شده باشد دلیل محسوب میشود

۱- ماده اول قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر رسمی مصوب

شهریور ماه ۱۳۲۲.

۲- ماده ۱۲۸۹ ق ۲۰

۳- ماده ۱۲۹۳ ق ۲۰

مشروط بر اینکه دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد.^۱
مواردی است که دفاتر تجاری دلیل محسوب نمیشود. این موارد طبق ماده ۱۲۹۹
قانون مدنی بشرح زیر است:

۱- در صورتیکه مدلل شود اوراق جدیدی بدفتر داخل کرده‌اند یا دفتر تراشیدگی
دارد.

۲- وقتیکه در دفتری بی ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که برنفع صاحب دفتر باشد.

۳- وقتیکه بی اعتباری دفتر سابقاً "بجهتی از جهات در محکمه مدلل شده باشد.

ب- در دعوی تاجر در مقابل غیر تاجر

علی‌الاصول دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد و فقط ممکن است جزء قرائن

وامارات قبول شود ولی در مواردیکه دفتر تجاری برنفع صاحب آن دلیل نیست، برضرر
او سندیت دارد.^۲

اسناد عادی اعتبار و قدرت اجرائی اسناد رسمی را ندارند زیرا:

اولاً: "در برابر اسناد مذکور، برخلاف اسناد رسمی، انکار و تردید شنیده میشود

و بار اثبات اصالت سند درچنین مورد به عهده ابرازکننده سند است.^۳

ثانیاً: "بفرض اثبات اصالت سند، شخصی که سند علیه او ابراز شده میتواند صحت

مندرجات آنرا انکار کند، چه امکان دارد سند فی نفسه صحیح ولی مندرجات آن باطل

باشد. بنابراین باز اعتبار سند قابل تردید است. درچنین موردی بار اثبات بطلان

مندرجات سند، برخلاف مورد بالا، برعهده شخصی است که سند علیه او ارائه شده.

ثالثاً: "سند عادی همواره در باره طرفین و قائم مقام آنها اعتبار دارد. قسمت

اخیر ماده ۱۳۰۵ ق.م.م.سراست براینکه "... در اسناد عادی تاریخ فقط در باره اشخاصی

که شرکت در تنظیم آنها داشته و ورثه آنان و کسیکه بِنفع او وصیت شده معتبر است."

۱- ماده ۱۲۹۷ ق.م.م.

۲- ماده ۱۳۰۰ ق.م.م.

۳- به مواد ۳۹۳ تا ۴۰۵ قانون آئین دادرسی مدنی مراجعه شود.

در خاتمه یادآوری این نکته بی فائده نخواهد بود که اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته در باره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است .

۱- اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آنرا از منتسب الیه تصدیق نماید .

۲- هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آنرا تکذیب یا تردید کرده فی الواقع امضاء یا مهر کرده است .^۱

در بررسی اجمالی مفهوم اسناد و انواع آن برحسب تعریف کلی بهمین مختصراکتفا میشود . از نقطه نظر کلیات حقوق ، اسناد تجاری ، از اسناد عادی بشمار می آیند ، نهایتاً باوصف تجاری بودن آنها ، ولی با غور در مفهوم اسناد تجاری و مصادیق آن از یک سو و تحلیل طبیعت حقوقی و ویژهگی های آن از سوی دیگر در می یابیم که اسناد مذکور ، ماهیت و آثار و آثار دارند خاص خود و مشمول قواعد و مقرراتی می باشند که پاسخگوی هدف و مقصد ویژه آنها بوده ، فلسفه وجودیشان را توجیه میکند . عبارت دیگر نهادهای حقوق تجارت چه مربوط باعمال تجاری باشد و چه مربوط به قراردادهای و اسناد تجاری ، نهادهایی می باشند مستقل که نمیتوان آنها را در نهادهای حقوق مدنی قالب گیری نمود . قیاس و مشابهت مسائل و موضوعات تجاری با مسائل و موضوعات مدنی و تمثیل و تشبیه آنها بیکدیگر تا آنجا که به تحلیل امر و روشن شدن موضع خاص قضیه ای کمک نموده ، توسل به اصول و امهات نظام حقوقی ما را تبیین نموده یا در پاره ای از موارد خلائی را پر نماید منطقی و سودمند و موثر است ولی تلاش به منظور توجیه و تطبیق آنها بی نتیجه ، گمراه کننده ، و احیاناً زیانبخش خواهد بود .

اینک که مفهوم سند را برحسب تعریف کلی دریافته ، انواع آنرا شناخته ایم جادارد مفهوم و مصادیق اسناد تجاری را مطرح کنیم .

بند دوم : مفهوم سند از نقطه نظر تجاری و مصادیق آن

مفهوم و مصادیق اسناد تجاری

اسناد تجاری را نه میتوان در ردیف اسناد رسمی بحساب آورد و نه در زمره اسناد عادی بشرح مذکور در فوق. اسناد مذکور در حقوق تجارت ما مفهوم دوگانه‌ای دارند: بمعنی اعم و وسیع کلمه شامل هر سند یا نوشته‌ای است که معرف یا بوجود آورنده تعهدات تجاری باشد. به این تعبیر، هر سندی را که در امر تجارت عنوان و اعتبار و کاربرداری دارد میتوان تجاری قلمداد کرد مثل برات، سفته، چک، اوراق قرضه، اسناد خزانه، اوراق سهام، بارنامه، اسناد اعتباری بانکی و غیره. اسناد تجاری بمعنی اخص کلمه اسنادی است با تعریف و نقش و ویژگی‌های خاص خود. اسنادی است با آثار خاص خود. اسنادی است با مقررات خاص خود.

قبل از بررسی ویژگی‌های این اسناد. جا دارد، به منظور تسهیل مطالعه تعریفی از آنها بعمل آورده، مصادیقشان را بشناسیم. متأسفانه این امر بهسبب امکان‌پذیر نیست زیرا در این زمینه، از جهت نظام‌های حقوقی مختلف و اساتید حقوق تجارت اختلاف نظر وجود دارد.

این مساله نه تنها در کشور ما، بلکه در سایر کشورها نیز مطرح است. برای اینکه موضع حقوقی کشور خود را روشنتر دریابیم، بدو "اشاره‌ای به وضع حقوقی کشورهای فرانسه، انگلیس و عربی بی فایده نخواهد بود.

الف - حقوق فرانسه

حقوق تجارت فرانسه، چنانکه یاد شد، منبع اصلی و اساسی حقوق تجارت ایران است. در حقوق این کشور، مولفین حقوق تجارت، از دیرباز، در زمینه تعریف و مصادیق اسناد تجاری اختلاف نظر داشته‌اند. سالها قبل عقیده عمومی بر این بود که مفهوم اسناد تجاری، برات^۱، سفته^۲، چک^۳، قبض انبار^۴، را در برمیگیرد.^۵ برخی در اینکه چک از مصادیق این مفهوم باشد شک داشته‌اند.^۶ برعکس عددهای، اسناد در وجه حامل^۷ و قبض رسید صادر از انبارهای عمومی^۸ را در زمره مصادیق این مفهوم می‌آورده‌اند.^۹

گارو استاد حقوق کیفر اختصاصی، در بحث از مقررات کیفری ناظر به اسناد تجاری مفهوم وسیعی به موضوع داده براین عقیده بوده است که برات، سفته، چک، قبض انبار، فاکتور، قرارداد، حمل و نقل، بارنامه، بیمه‌نامه، حواله تحویل کالا از اسناد تجاری

(1) La Lettre de change. (2) La billet a ordre. (3) Le cheque, (4) Le warrant

بقیه پاورقی در صفحه بعد

محسوب میشوند.^۱

اختلاف آراء مؤلفین حقوق تجارت فرانسه را بدون شک میتوان معلول سکوت قانونگذار این کشور دانست. توضیح اینکه مجموعه قوانین تجاری فرانسه، نه تعریفی از اسناد مذکور بعمل آورده و نه افراد و مصادیق آنرا برشمرده است. از اینرو تعریف کلی اسناد تجاری، بنحوی که همه افراد و مصادیق آنرا در برگرفته، نتیجتاً جامع و مانع باشد کاری ساده‌ای نبوده، از اینروز تلاشها در این زمینه باموفقیت کامل روبرو نبوده است. امروز حدود و ثغور مفهوم و مصادیق اسناد تجاری به نحو بسیار زیادی روشن جلوه میکند.

گروهی معتقدند که مفهوم اسناد تجاری " کلیه تعهدات تجاری را در برمیگیرد که قابل دادوستد بوده از طریق ظهر نویسی یا صرف واگذاری قابلیت نقل و انتقال دارند".^۲

(1) Garraud, traite de droit penal, 1^{re} ed. III, No. 193, p. 263 et 3e ed., IV, No. 1439.

در مورد تفسیر ماده ۴۳۹ قانون جزا کارو مینویسد: سندی نیست که با اعطای حق پرداخت یا تحول کالا نتواند بامتضمن بودن قید به حواله کرد، سند تجاری تلقی نشود.

P. Lescot et R. Roblot

Les effets de commerce, tome I, Nos. 4 et 5

(2) Dictionnaire du commerce et de l'industrie, Ve effets de commerce.

دنباله پاورقی صفحه قبل

- (1) Lyon - Caen et Renault, traite de droit commercial, IV, No. 2 et VIII, No. 807; Lacour et Bouteron, precis de droit commercial, II, Nos. 1158 et 1397; Terrel et Lejeune, des operations commerciales de banque, 8^e ed., p.60; Dalloz; Repertoire pratique, Ve effets de commerce No. 2; Ripert, traite elementaire de droit commercial; 2^e ed., No. 1719.
- (2) Percerou, traite elementaire de droit commercial, 8e ed. No. 1233.
- (3) Wahl, precis de droit commercial, No 1791.

بنظر برخی " اسناد تجاری اسناد قابل دادوستدی می باشند که مانند اوراق بهادار بصورت سری و متحدالشکل صادر نشده، امضاء کنندگان آنها را متعهد میسازد مبلغی پول نقد به ارائه کننده آن پرداخت نمایند. ^۱"

بزم گروهی دیگر منظور از اسناد تجاری " اسنادی است که در شکلیها و صورتهای مختلف مبین تعهد پرداخت مبلغی پول بوده، از طریق ظهر نویسی یا واگذاری ساده قابلیت نقل و انتقال داشته، وسیله پرداخت قرار گرفته، به این ترتیب جانشین پول میشوند" ^۲

این اهم تعاریف کلاسیک است که در مورد اسناد تجاری در تالیفات حقوقی فرانسه به چشم می خورد. باین تعاریف انتقاداتی وارد شده است.

تعریف نخست جمله اسنادی از قبیل قبض رسید کالا، بارنامه و حواله تحویل کالا را که متضمن پرداخت مبلغی پول نیست در برمیگیرد و حال آنکه چنین نتیجهای بنحوی که خواهیم داد صراحتاً " بامنظور قانون تجارت و رویه بازرگانی معیار است. ^۳

تعریف دوم که تعریف نسبتاً " دقیقتری بنظر می رسد، متضمن این ایراد است که خصیصه اصلی مفهوم اسناد تجاری را چنانکه مطرح خواهد شد نادیده گرفته است.

تعریف سوم، در صورتیکه به یکی از ویژهگی های اسناد تجاری بشرحی که اشاره خواهیم کرد تکیه نماید، کمتر در معرض ایراد و انتقاد می باشد.

حقیقت اینکه اگر چه قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه صریحاً " تعریفی از اسناد تجاری بعمل نیاورده، ولی باعلائم و آثاری امکان تشخیص و تفکیک این نوع اسناد را از انبوه اسناد تجاری امکان پذیر ساخته است. توضیح اینکه قانون مذکور در موارد مختلف پرداخت بوسیله اسناد تجاری را در حکم پرداخت نقدی تلقی نموده است. بعبارت دیگر اسناد تجاری وسیله پرداخت عادی بین بازرگانان بحساب آمده، ادای دین بوسیله صدور یا ظهرنویسی برات یا سفته منطبق با عادات و رویه زندگی تجاری بوده، پاسخگوی مقتضیات حاصل آن می باشد. براین مبنی بر حسب تعریف کلی میتوان گفت که هر سندی، هر نوشته ای که به مقتضای شرائط و اوضاع و احوال تجاری، معمولاً " برای ادای دین بجای پول بکار می رود، بدون آنکه خصائص واقعی پول را داشته باشد، سند تجاری محسوب میشود.

-
- (1) Wahl, op. cit., No. 1791.
 - (2) Lyon - Caen et Renault, op. cit., VII, No. 342.
 - (3) Lescot - Roblot, op. cit., I. N.4.
- Lescot - Roblot. op. cit., T. I., No. 5.

در مورد این سؤال که اسناد تجاری چه افراد و مصادیقی را در برمیگیرد ، پاسخ با توجه به ماهیت آنها یعنی قابلیت جایگزینی پول ، ساده بنظر می رسد . ربلو ولسکو در کتاب خود چنین می نویسد : این افراد و مصادیق تابع زمان و مکان و عادات و رسوم بازرگانان است ، باین معنی که از کشوری به کشور دیگر ، از دوره‌های به دوره‌های دیگر و به مقتضیات رویه تجاری مردم و بازرگانان فرق میکند .^۱ در زمان حکومت قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه اسناد تجاری برات ، سفته ، چک را در برمیگرفت . امروزه اسناد دیگری مشمول این مفهوم می باشد . مثل قبض انبارهای عمومی . بنا بر مراتب فوق و با توجه بتحول بازار تجارت و مقررات حاکم بر آن هر وقت سندی با چنین ویژه‌گی جریان یافت میتوان آنرا از مصادیق اسناد تجاری بحساب آورد .^۱

مؤلفین حقوق تجارت فرانسه امروزه اکثراً " ، سند تجاری را ، سند قابل معامله ای می دانند که متضمن طلب کوتاه مدت دارنده آن بوده ، وسیله پرداخت واقع میشود .^۲ بر مبنای این تعریف ، برات ، سفته ، چک ، قبض انبارهای عمومی و صورت حساب قابل اعتراض^۳ را از مصادیق آن بحساب می آورند .^۴

-
- (1) Lescot - Roblot. op. cit., T. I., No. 5.
 - (2) Georges Ripert, traite elementaire de droit commercial 7e ed. par Roblot Titre II., No. 1911, — Leon Julliot De La Morandiere, droit commercial et droit fiscal des affaires, Tome No. 1.
 - (3) Le facture protestable.
 - (4) Georges Ripert, op. cit., No. 1912. — Rene Rodiere, droit commercial, VIe ed., No. 3.

در نظام حقوقی کشورهای انگلوساکسن، بویژه در حقوق عرفی انگلیس، موضع حقوقی اسناد تجاری تا حدی بگونه دیگری است. در تالیفات حقوقی این کشور، در میان انبوه اسنادی که در قلمرو تجارت جریان دارد، مقام و موقعیت خاصی به اسناد تجاری اختصاص یافته. قریب باتفاق این تالیفات، از اسناد مذکور تحت عنوان "اسناد قابل معامله"^۱ بحث می‌کنند. اسناد تجاری تحت عنوان یاد شده دارای مفهوم و مصادیق معینی است و هر نوع سندی را در برنمیگیرد.^۲

از جهت مفهوم، اسناد تجاری، در مفهوم خاص خود، اسنادی است که در معاملات تجاری و مالی بکار رفته، متضمن پرداخت مبلغی پول است. اسناد مذکور تعهد آور بوده، قابلیت نقل و انتقال داشته، به دارنده آن حق میدهد تا در صدد وصول وجه مندرج در آن برآید.^۳

۲ - برای اطلاعات وسیع تر به ویژه به کتب زیر مراجعه شود:

(1) Negotiable instruments.

- McLoughlin, introduction to negotiable instruments, London, Butterworths, 1975.
- Clive M. Schmitthoff, Charlesworth's Mercantile Law, London, Stevens & Sons 1963, pp. 201-232.
- E.R. Hardy Ivamy, Casebook on mercantile Law, London, Butterworths, 1972, pp. 182-193.
- G.J. Borrie, Commercial Law, fourth edition, London, Butterworths, 1975, pp. 193-256.
- Robert Lowe, Commercial Law, fifth edition, Sweet & Maxwell, 1976, pp. 293-365.

(3) Mc Loughlin, op. cit., p. 1.

میان مفهوم اسناد تجاری در حقوق انگلیس، برحسب تعریف کلی، با مفهوم اسناد تجاری در حقوق فرانسه وجوه تشابهی بچشم می خورد. الهنایه، با توجه به عرف و عادات تجاری از یک سو، و رویه محاکم که اساس حقوق کامن لو^۱ را تشکیل میدهد از سوی دیگر، افراد و مصادیق اسناد تجاری در این نظام دامنه بیشتری پیدا کرده است. توضیح اینکه در کشورهای حقوق نوشته مثل نظام حقوقی رم و ژرمنی فرانسه، مبنای مفهوم و مصادیق اسناد تجاری، علی الاصول قانون است، ولی در حقوق عرفی انگلیس، پایه و اساس، اصولاً "عرف و عادات بازرگانان و آرای محاکم می باشد، بدون آنکه بتوان سهم قوانین را نادیده گرفت.^۲ اسناد تجاری، چنانکه گفته شد همواره ساخته و پرداخته بازرگانان بوده، از همین رو، قوانین ناظر به این نوع "وسائل پرداخت" با توجه به نیازهای تجاری و مالی این گروه شکل پذیرفته است. با مطالعه سیر تحول و پیشرفت این موضوع، بویژه در نظام حقوقی انگلیسی سهولت در می یابیم که رابطه بین حقوق و عرف و عادات تجاری در این زمینه بیشتر از سایر زمینه ها است.^۳ رابطه و آمیزش معلول این امر است که دادگاههای انگلیس پیوسته عرف و عادات جامعه بازرگانان را مد نظر داشته، آنها را بعنوان بخشی از کامن لو پذیرفته اند.

(1) Common Law

۲- در انگلیس قانون مربوط به بیروا در سال ۱۶۹۸، قانون ناظر بر سفته در سال ۱۷۰۴ و قانون چک در سال ۱۹۵۷ به تصویب رسیده است.

۳- برای اطلاع وسیع به پیشینه تاریخی اسناد تجاری به

History of negotiable instruments in English Law. مراجعه شود.

حقوق ناظر بر اسناد تجاری، بعنوان بخشی از حقوق تجارت، در مراحل اولیه، اصولاً مستقل از کامن لو نوج گرفته، مسائل و دعاوی مربوط به آن در دادگاههای خود بازرگانان از قبیل دادگاههای تجاری^۱ و دادگاههای دریائی^۲ حل و فصل میشده است. پایه و اساس رسیدگی همواره عرف و رویه خود بازرگانان بوده است.^۳

پیشینه تاریخی حقوق تجاری انگلیس، رویه امروزی دادگاههای انگلیس را توجیه می‌کند. چه امروزه نیز وضع به همین منوال است. عرف همانطوریکه ممکن است پیشینه تاریخی طولانی داشته باشد، بحتمل در نتیجه رویه جدیدی بر مبنای اوضاع و احوال تجاری-اقتصادی دوران معاصر شکل بگیرد. در اینصورت هرگاه رویهای بین تجار انگلیس رسم شود و عموماً "آنها بپذیرند بعنوان عرف مورد قبول محاکم خواهد بود. بعبارت دیگر قوانین و مقررات حاکم بر دادگاههای انگلیس با رویه و عرف جامعه بازرگانان در تغییر است.

(1) Courts of Fairs. (2) Courts of Staple.

- محاکم تجاری فوق الذکر بویژه به دعاوی راجع به "اسناد یا نوشتجات تعهدآور" *Writings obligatory* رسیدگی نمی‌نموده است. حوالی نیمه دوم قرن شانزده کلیه دعاوی مربوط به ضمانت بازرگانان به دادگاههای شاهی *Kings courts* ارجاع میشده بر مبنای کامن لو، محاکم انگلیس، انتقال دیون، از جمله انتقال تعهد را بوسیله نوشته برسمیت نمی‌شناخته، نتیجتاً "برای واگذاری اسناد تجاری از شخصی به شخص دیگر، ضمانت اجرائی قائل نبودند. از همین رو بازرگانان آنزمان دادگاههای دریائی را تاسیس نمودند. دادگاههای مذکور، مرجع معتبری برای دعاوی بازرگان بحساب آمد. چه اصول حقوق عرفی که از جهات مختلف جنبه بین‌المللی داشت، بر پایه رویه بازرگانان توانست در این مرجع شکل گرفته، توسعه پیدا کند. معذک، طی اواخر قرن ۱۶ و اوائل قرن ۱۷ صلاحیت محاکم دریائی شدیداً "محدود و بخش عظیمی از امور آن به دادگاههای کامن لو سپرده شد. در این دوره، حقوق تجارت خود بعنوان بخشی مستقل شناخته میشد. بدین ترتیب حقوق تجارت به تدریج با کامن لو در آمیخت. آمیزش و پیوند عرف و عادات تجاری را با مقررات حقوقی باید مدیون برخی از قضات انگلیسی دانست. این قضات در رسیدگی به دعاوی تجار همواره عادات و رسوم آنها را مد نظر قرار داده، نتیجتاً "پیشینه یا سابقه های لازم الاتباعی را در حقوق تجارت بنانهادند. نکته جالب توجه اینکه در دعاوی بسیاری هیئت رسیدگی از بازرگانان مجرب و مطلعی تشکیل می‌یافت تا با توجه به عادات و سنن تجاری سرنوشت دعوی را تعیین کند. به همین ترتیب حقوق تجارت بخشی از کامن در آمد.

و این خود ویژه‌گی نظام حقوق عرفی انگلیس را تشکیل میدهد. بعنوان مثال در دعوای Edlstein علیه Schuler^۱ دادگاه مقرر داشته که اوراق قرضه در وجه حامل^۲ در حقوق انگلیس از اسناد قابل معامله Negotiable یا از اسناد تجاری محسوب میشود. جهت فهم بهتر مطلب بی‌فائده نخواهد بود بخشی از رای بیگهم Bigam قاضی دعوی فوق را ذیلاً^۳ نقل کنیم:

"حقوق تجارت ثابت و استرئوتیپ نیست. این رشته از حقوق در مسیر تحول و توسعه خود، با قالب‌گیری آن طی مجموعه‌ای بنام "کد" متوقف نشده، رشته‌ای است که به منظور پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های تجارت، با اوضاع و احوال و مقتضیات بازار، توانائی گسترش و تحول دارد. نتیجه اینکه عادات و رسوم بازرگانی را که جهت سهولت امر تجارت شکل یافته‌اند، مورد تأیید قرار داده. پذیرا می‌شود. بعقیده^۴ من وقت آن رسیده که قابلیت نقل و انتقال اسناد در وجه حامل را چه دولتی باشد و چه تجاری، چه خارجی باشند و چه انگلیسی بتوان در دادگاههای ما مطرح نمود"^۱

مک‌لولین استاد حقوق دانشگاه منچستر، بر مبنای ملاحظات فوق معتقد است لیست اسنادی که بتوان بر آنها عنوان اسناد تجاری را اطلاق نمود، با همه امتیازاتی که به دارنده^۵ آن طی معامله تعلق میگیرد، در حقوق انگلیس بسته نشده، از دوره‌های به دورمای دیگر. از کشوری به کشور دیگر فرق میکند^۲.

تشابه تحلیل و برداشت از مفهوم اسناد تجاری در حقوق فرانسه و انگلیس جالب بنظر می‌رسد.

با این توضیح اینک جا دارد افراد و مصادیق اسناد تجاری را در حقوق انگلیس بیابیم.

از جهت مصادیق، استاتید حقوق تجارت انگلیس، تحت عنوان اسناد تجاری عموماً^۳

(1) (1902) 2K.B. 144

(2) Debenture bonds

(1) (1902) 2K.B. 144. — McLoughlin, op. cit., p. 4.

(2) McLoughlin, op. cit., p. 4.

و علی الاصول از برات^۱، سفته^۲ و چک^۳ بحث می‌کنند. اختصاص بحث از اسناد مذکور، جنبه^۴ حصری نداشته، بلکه من باب تمثیل است. عبارت دیگر بحث از جهت اهمیت کمی و کیفی بیشتر به مطالعه و بررسی سند یاد شده اختصاص داده شده^۴. در عمل و رویه^۵ محاکم اسناد دیگری نیز در ردیف اسناد تجاری ذکر شده است مثل اسکناس^۵، حواله یا چک بانکی^۵. اسناد خزانه^۶، گواهینامه موقت سهام^۷، سهام در وجه حامل^۸ و اوراق قرضه^۹، مبنای این نظر آراء محاکم انگلیس و عرف و رویه^۶ بازرگانی انگلیسیهاست.



-
- (1) Bill of Exchange – (2) Promissory notes, (3) cheque.
 (4) G.J. Borrie, op. cit., pp. 194-95 – McLoughlin, p. 4.
 (5) Bank notes – (5) Bankers Drafts – (6) Treasury Bills.
 (7) Serip issued to bearer - (8) Share warrant issued to bearer - (9) Debentures payable to bearer.
 (10) Dividend warrant.

حقوق کشورهای عربی

حقوق تجارت کشورهای عربی اکثراً " از نظام حقوقی رم و ژرمنی بویژه حقوق فرانسه تاثیر پذیرفته، پیوندهای عمیق وریشه داری با آن دارد. این امر، از خلال بررسی اجمالی قوانین تجاری پارامی از این کشورها از یک سو و مطالعه آراء و عقاید مؤلفین و اساتید حقوق تجارت آنها از سوی دیگر، بوضوح آشکار است. تعاریفی که از مفهوم اسناد تجاری در غالب تالیفات حقوق تجارت بعمل آمده، تقریباً " برگردانی از تعاریف معمول و معتبر حقوق تجارت فرانسه جلوه میکند. وضع در باره مصادیق اسناد مذکور نیز کم و بیش به همین منوال است.

در این مقاله به اهم منابعی که در این زمینه امکان دسترسی بآن بوده جهت بررسی و مطالعه تطبیقی اشاره میشود. *روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
رتال جامع علوم انسانی
قانون تجارت مصر، نام " الاوراق التجاریه" را در موارد مختلف بکار برده ولی تعریفی از آن بعمل نیاورده است. اسکوت قانونگذار مصری، بمنابہ اسکوت قانونگذار فرانسوی،

۱ - عبارت " الاوراق التجاریه" در مجموعه قوانین مصر، در موارد مختلفی بکار رفته است. از جمله در عنوان فصل هفتم قانون تجارت ذکر شده، " فی السندات تحت اذن و فی السندات لحاملها و غیرها من الاوراق التجاریه" و در عنوان فصل هشتم آمده: " فی سقوط الحق فی الدعوی فی مواد الاوراق التجاریه بحضی المده" و در ماده ۱۰۸ در باره* اعتبار بروات ناقص نوشته شده: " مثل الاوراق التجاریه اذا کتبت بین تجار اولاعمال تجاریه" " المجموعه التجاریه و اهم النصوص المکمله لها " . ۱۹۵۰ - القاہره - دارالنشر للجامعات المصریه .

علماء و مؤلفین حقوق تجارت مصر را بر آن داشته تا تعریفی از اسناد مذکور بدست دهند .
در این تلاش تاثیر منابع فرانسوی چشمگیر است^۱ از جمله دکتر محسن شفیق در کتاب خود
پس از ذکر پیشینه تاریخی موضوع و نقل تعاریف فرانسوی می نویسد :

" سند تجاری نوشته‌ای است قابل نقل و انتقال از طرق تجاری و مبین حقی است
که موضوع آن مبلغی پول بوده و بمحض رویت یا در موعد معین یا تعیین شدنی قابل
پرداخت می‌باشد و عرف چنین ورقه‌ای را بعنوان وسیله پرداخت بجای پول می‌شناسد "
استاد امین محمد بدر^۲ پس از شرح مختصر ، موضوع ، وظائف و خصائص اسناد تجاری
در تعریف آن می‌گوید :

"اوراق تجاری ، اسنادی است که طبق شرایط معین قانونی نوشته شده ، منضم تعهد
پرداخت مبلغ معینی پول در وقت معین یا قابل تعیین بوده ، حقوق ثابت مندرج
در آنها از طریق ظهرنویسی یا بصورت ساده انتقال یافته ، عرف تجاری آنرا بسبب
سهولت تبدیل آن به پول بعنوان وسیله پرداخت دین می‌پذیرد ."^۳

۱ - برای اطلاع بویژه به منابع زیر مراجعه شود :

- محمد صالح بک : شرح القانون التجاری - الاوراق التجاریه و اعمال البنوک - مطبعه

مصر .

- محسن شفیق : القانون التجاری المصری . الاوراق التجاریه - چاپ اول ۱۹۵۴

دارالمعارف - اسکندریه .

- امین محمد بدر : الاوراق التجاریه فی التشریع المصری ، ۱۹۵۳ ، المطبعه العالمیه

- محمد النوری : الاوراق التجاری السوری - مکتب النشر العلمی - دمشق

- رزق الله انطاکی : الحقوق التجاریه البریه - ۱۹۴۸ - مطبعه الجامعه السوریه

- حسن جاد : شرح القانون التجاری العراقی - مطبعه الاهالی - بغداد .

۲ - امین محمد بدر ، کتاب یادشده ، ص ۵ .

۳ - " الاوراق النجاره مکوک مکتوبه وفقا " لاوراق قانونیه محدده و تتضمن الزاما "

بدفع مبلغ معین من العود فی وقت معین او قابل للتعیین و تنتقل الحقوق الثابته فیها
بطریق التظهر او الماوله ، و نقلها العرف التجاری کاداه لتسویه الدیون بسبب سهوله
تحویلیها الی نقد "

دکتر محمد صالح بک به تعریف ساده‌تری پرداخته می‌نویسد :

" اسناد تجاری نوشتجاتی است معرف مبلغی پول که در مکان معین و سررسید کوتاه مدت پرداخت شده به دلیل سهولت نقل و انتقال آن در پرداخت جایگزین پول میشود"^۱

استاد حسن جاد اسناد مذکور را بشرح زیر تعریف کرده است :

" اسناد تجاری یا نوشتجات تجاری یا برگهای تجاری، نوشتجاتی است با شرائط شکلی معین و معرف مبلغی پول که پس از سررسید کوتاه مدتی قابل پرداخت میباشد"^۲

در قلمرو حقوق تجارت سوریه، با وضعی مشابه وضع حقوقی مصر و لبنان روبرو میشویم. دکتر النوری، استاد حقوق تجارت در کتاب خود تحت عنوان: "در باره حقوق تجارت سوریه" سند تجاری را بشرح زیر تعریف کرده است :

" سند تجاری نوشته قابل انتقالی است که مبین حقی است که آن حق مبلغی پول بوده، پس از سررسید کوتاه مدتی قابل پرداخت میباشد."^۳

استاد رزق الله انطاکی در کتاب خود^۱ پس از شرح وظائف اسناد تجاری تعریفی از آن بعمل آورده که وجودها مشترک آن با تعریف اسناد النوری چشمگیر است و برحسب این تعریف :

" اسناد تجاری نوشتجاتی است که از طرق تجاری قابل نقل و انتقال بوده و برای دارنده آن نماینده حقی است که آن حق مبلغی پول بوده و پس از سررسید کوتاه مدتی قابل پرداخت میباشد"^۴

۱ - "الأوراق التجارية هي صكوك تمثل نقوداً" تدفع في مكان معين و ميعاد قريب تقوم مقام النقود في الوفاء بسبب سهوله تداولها .

محمد صالح بک . کتاب یادشده، ص ۱

۲- "الأوراق التجارية والصكوك التجارية أو الخطوط التجارية هي خطوط ذات صيغ معلومه تمثل مبالغ من النقود تدفع بعد اجل قريب لمستحقيها ."

حسن جاد- کتاب یادشده، جزء دوم - ص ۰۳ .

۳- "الورقة التجارية صك قابل للتداول و يمثل حقا" هو مبلغ من النقود و يستحق الوفاء بعد اجل قصير" النوری، کتاب یادشده، ص ۳۰۲

۴ - رزق الله انطاکی، کتاب یادشده - بخش چهارم، ص ۴۲۱

مفهوم اسناد تجاری در حقوق کشورهای عربی یاد شده، بر مبنای تعاریفی که بنحو اختصار فوقاً " بعمل آمد، با مفهومی که در حقوق فرانسه بچشم میخورد، وجوه مشابهت قابل ملاحظه‌ای دارد. این امر معلول نفوذ منابع فرانسوی است. در مورد مصادیق اسناد تجاری نیز این وجوه مشابه کم و بیش بچشم می‌خورد.

استاد امین محمد در کتاب خود، پس از تعریف اسناد مذکور و شرح ویژگی‌های آن بذکر مصادیق پرداخته می‌گوید:

"قانونگذار مصری مصادیق اسناد تجاری را بنحو جامع و مانعی نشموده است ولی با اقتباس از قوانین تجاری فرانسه، انواعی از آنها را که در زمان وضع قوانین مصری معمول بوده تنظیم کرده است

انواع مذکور عبارتند از برات (۱) سفته (۲) سند در وجه حامل (۳) و چک (۴)."

استاد محمد بدر در مقام تفکیک مصادیق اسناد تجاری بمعنی اخص از سایر اسناد مینویسد:

"بارنامه، قرارداد حمل و نقل، قبض انبارهای عمومی

اگر چه متضمن قید بحواله کرد نیز باشد، نظریه اینکه معرف کالا می‌باشند و نه پول، از اینرو از مصادیق اسناد تجاری بمفهوم مورد نظر بحساب نمی‌آیند" (۲)

استاد محمد کامل امین ملش نیز پیرو این نظر است (۲).

دکتر محمد صالح بک نیز نظری مشابه نظر استاد امین بدر دارد. در مورد مصادیق

اسناد تجاری مینویسد:

(۱) اکمبیاله - (۲) السند الاذنی (۳) - السند لحامله (۴) الشیک (۵) امین محمد

بدر: کتاب یاد شده، ص ۱۱

(۱) امین محمد بدر، کتاب یاد شده، ص ۸

(۲) محمد کامل امین ملش: شرح قانون التجاره (اهلی و مختلط) - الجراء الثانی

"بربروات ، سفته‌ها و اسناد در وجه حامل و چکها عنوان اسناد تجاری اطلاق میشود (۱) :"
و سپس به نقد آراء و عقاید مولفین حقوق تجارت فرانسه پرداخته ، از اینکه تالردر اعتبار
چک بعنوان سند تجاری شک نموده . و گارو تفسیر موسعی از ماده ۴۳۹ قانون جزای فرانسه
بعمل آورده ، بحث می نماید (۲) .

دکتر محسن شفیق در کتاب یاد شده برداشت دیگری از مصادیق اسناد تجاری در حقوق
تجارت مصر دارد . نامبرده مینویسد :

"قانونگذار چهار نوع از اوراق تجاری را نامبرده : برات ، سفته ، سند در وجه حامل و
چک ولی همانطوریکه اشاره شد ، مصادیق یاد شده جنبه حصری نداشته ، اصطلاح "اسناد

تجاری" به هر نوشتنهای که واجد ویژگی های اسناد تجاری باشد ، شمول می یابد
رویه قضائی فرانسه قبض انبارهای عمومی را از جمله اسناد تجاری بحساب آورد . بویژه
که عرف در آنجا قبض مذکور را در معاملات بجای پول پذیرفته ولی قبض مذکور ، اگر چه از طرق
تجاری قابل نقل و انتقال است ولی نظریه اینکه مبین مبلغی پول نبوده . بلکه معرف کالای
سپرده شده میباشد ، از اینرو سند تجاری محسوب نمیشود . (۳)
رویه قضائی مصر نیز در این زمینه روشن مینماید .

دیوان عالی کشور مصر در رای مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۴۷ در تفسیر ماده ۱۴۹ قانون تجاری
مقرر داشته است که : "احصاء اسناد تجاری مذکور در قانون "کلیه اسناد تجاری را در برنمیگیرد .
چه قانونگذار مصری با افزودن عبارت : " و غیره " . چنین نظر داشته که احصاء جنبه حصری
نداشته بلکه شامل اسناد تجاری : دیگری گردد که در آینده ، جریان خواهد افتاد .
چنانکه ملاحظه می شود . در اکثر تألیفات حقوق تجارت مصر ، علاوه بر برات و سفته
و چک ، سند در وجه حامل *Titre au porteur* نیز در ردیف اسناد تجاری ذکر
شده است . تذکر نکته ای در این مورد بی فائده نخواهد بود و آن اینکه این عنوان
از حقوق تجارت فرانسه به حقوق تجارت مصر راه یافته است . در حقوق تجارت امروز فرانسه

(۱) محمد صالح بک : کتاب یاد شده ، ص ۵

(۲) محمد صالح بک : کتاب یاد شده ، ص ۵- پاورقی

(۳) محسن شفیق ، کتاب یاد شده ، ص ۹

در میان اسناد تجاری دیگر نامی از چنین سندی بچشم نمی خورد . بعلاوه در زمان اعتبار آن نیز رواج چندانی نداشته سند مذکور بصرف تسلیم آن به دیگری انتقال می یافت و اطمینان قطعی و مسلمی نسبت به پرداخت وجه آن در سر رسید وجود نداشت ، تمامی ارزش چنین سندی به اعتبار امضا کننده آن بستگی داشت و چون بصرف تسلیم (۱) انتقال می یافت لذا داد و ستد کنندگان آن نامعلوم بودند و امضائی از خود در سند نداشتند . به همین ملاحظه ذینفع سند نمیتوانست در صورت عدم پرداخت وجه آن از طرف متعهدین ، از مقررات تضامنی آنها بهره مند باشد .

در ادبیات حقوق تجارت کشورهای عربی سند مذکور فقط در مصر در ردیف انواع اسناد تجاری آمده . در این مورد اکثر مؤلفین مصری در مقام و موقعیت چنین سندی بعنوان سند تجاری بمعنی اخص تردید داشته ، بعلاوه اعتراف میکنند که این سند ... رواج چندانی در مصر نداشته و ندارد (۲)

در سوریه ، قانون تجاری مصوب ۲۲ حزیران ۱۹۴۹ کتاب چهارم خود را اختصاص به " اسناد تجاری و سایر اسناد قابل نقل و انتقال (۱) اختصاص داده : در باب اول از برات در باب دوم از سفته در باب سوم از چک و بالاخره " در باب چهارم از سایر اسناد قابل نقل و انتقال از طریق ظهر نویسی بحث میکند .

اسناد النوری در کتاب یاد شده بعد از تعریف سند تجاری می افزاید :
اسناد تجاری بر سه نوع است : برات سفته و چک
و سپس در مقام تفکیک اسناد تجاری بمعنی اخص از سایر اسناد مینویسد :

نظریه اینکه پاره ای از اسناد مثل قرارداد حمل و نقل و بارنامه و قبض انبارهای عمومی مبین حق عینی بوده عبارت دیگر متضمن پرداخت پول نمی باشد لذا از دائره شمول تعریف اسناد تجاری خارج میباشد .

(1) Tradition

(۲) امین محمد بدر ، کتاب یاد شده ، ص ۴۰۹ - ۴۰۸ - محسن شفیق کتاب یاد شده ، ص ۱۵

(۱) الاسناد التجاریة و غیرها من الاسناد القابله للتداول "قانون التجاره السوری ، کتاب چهارم

بهمین منوال اوراق بها دار مثل سهام شرکتها با توجه باینکه پرداخت وجه مندرج در آنها سررسید بلند مدتی دارد، از اینرو در شمار اسناد تجاری بمعنی اخص بحساب نمی آیند (۱) استاد زرق اله انطاکی نیز نظر مشابهی دارد. النهایة نامبرده علاوه بر بربرات، سفته و سند در وجه حامل و چک، قبض انبارهای عمومی را با آنکه در قلمرو تجاری سوریه جریان زیادی ندارد، از اسناد تجاری بمعنی اخص بحساب آورده مبنای این نظریه را آراء محاکم میدانند و سپس می افزاید:

" در مقابل اسناد تجاری یاد شده، نوشتجات تجاری دیگری وجود دارد النهایة داخل دائره شمول تعریفی که از اسناد تجاری بعمل آوردیم. نمیشود مثل قرار داد حمل و نقل و بارنامه سهام شرکتها آنچه موجب تمیز اسناد تجاری از نوشتجات تجاری است اینستکه اسناد تجاری مبین مبلغی پول بوده، در سررسید کوتاه مدتی قابل پرداخت میباشد و حال آنکه بعضی از نوشتجات تجاری معرف حق عینی یا مال منقول مادی است مثل قرار داد حمل و نقل و بارنامه و بعضی دیگر سررسید پرداخت آنها بلند مدت است مثل سهام شرکتها. وبالآخره اسناد تجاری دیگری وجود دارد که از طریق تجاری قابل نقل و انتقال نمی باشد مثل سهام با نام از اینرو داخل تعریف اسناد تجاری بنحوی که شناختیم نمیشود (۲) وضع در حقوق تجارت عراق نیز مشابه است. استاد حسن جاد، در بحث از ویژهگی های اسناد تجاری می نویسد:

" اسناد تجاری بربروات، سفتهها و چکها اطلاق میشود. وصف تجاری آن معلول این امر است که بین تجار مبادله شده یا مربوط به اعمال تجاری است، و حقیقت اینکه علت وجه تسمیه اینستکه اسناد مذکور در قلمرو تجاری بیشتر رواج دارد" (۳)

در لبنان قانون تجارت در دسامبر ۱۹۴۲ به تصویب رسید. فصل چهارم این قانون از اسناد تجاری و سایر اسناد قابل نقل و انتقال بحث میکند. قانون مذکور، بمثابه قانون تجارت سوریه، تقریباً " برگردانی از قرارداد ژنو ۱۹۳۰ می باشد. قرارداد مذکور چنانکه اشاره خواهد شد، بر پایه نظام حقوق رم و ژرمنی بنا شده، و جوه اشتراک بسیاری با حقوق تجارت

(۱) استاد محمد الغوری، کتاب یاد شده، ص ۳۰۶

(۲) - زرق اله انطاکی: کتاب یاد شده، ص ۴۲۲ - ۴۲۱

(۳) حسن جاد، کتاب یاد شده، ص ۹

فرانسه دارد (۲)

از بررسی اجمالی مقررات و تالیفات حقوقی کشورهای عربی بوضوح درمی یابیم که اسناد تجاری مفهوم خاصی داشته، مصادیق کم و بیش معینی را در برمیگیرد. اینک جا دارد موضع حقوقی کشور خود را در این خصوص تا سر حد امکان مشخص کنیم.

حقوق ایران

مفهوم اسناد تجاری و مصادیق آن در حقوق تجارت ایران، نه از حیث قانونی و نه از نظر دکترین وضع روشی ندارد.

۱- از نقطه نظر قانونی

مقررات مختلف تجاری نه تنها در عنوان اسناد تجاری همدست نیست بلکه در تعریف و مصادیق آن نیز ساکت است. باب چهارم قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به اسناد تجاری بمعنی اخص اختصاص یافته و در این باب از سه فرد از افراد اسناد مذکور یعنی برات، سفته و چک نام برده شده و در دنباله فصول این باب، در باب پنجم "اسناد در وجه حامل" عنوان شده است.

پس از تصویب قانون تجارت ۱۳۱۱، قوانین متفرقه بسیاری در موضوعات تجاری به تصویب رسیده که بعضاً "ناظر به اسناد تجاری است. مثل تصویب نامه قانونی تأسیس انبارهای عمومی مصوب ۱۳۴۰/۶/۱۱، قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵/۲/۲۷ و قانون انتشار اسناد خزانه و اوراق قرضه مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۴۵ که موضوع همه آنها اسنادی است که در بازار تجارت دادوستد شده، هر یک خصوصیات را در بردارند. بنابراین ظهور اسناد دیگری سوی آنچه در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مورد بحث واقع شده، به دامنه مصادیق اسناد تجاری بمعنی اعم افزوده و این افزایش با وضع قوانین مختلف دیگری توسعه یافته است. بعنوان مثال قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۲۸ اسفند ماه ۱۳۴۵ در ماده ۲۰۶ خود مقرر می دارد:

"از کلیه اسناد تجاری قابل انتقال که در ایران صادر یا
"معامله و مورد استفاده قرار داده میشود... و اسناد کاشف

(2) Lescot – Roblot, op. cit., p. 85.

" از حقوق مالکیت نسبت بمال التجاره از قبیل بارنامه دریائی
" و هوائی و قبض تحویل مال التجاره بحواله کرد و همچنین اوراق بیمه
" مال التجاره ۵۰ ریال و از بارنامه زمینی ۲۰ ریال حق تمبر
" دریافت خواهد شد "

و ماده ۲۰۹ قانون مذکور اضافه می نماید که :

" از اوراق مشروحه ذیل نسبت بمبلغ معادل دو در هزار حق تمبر اخذ میشود : برات ،
فته طلب (سفته) و حواله نقدی و اوراق قرضه غیر دولتی و نظائر آن"
چنانکه ملاحظه می شود ، در قانون مالیاتهای مستقیم ، بارنامه دریائی و هوائی ، قبض تحویل
مال التجاره بحواله کرد و همچنین اوراق بیمه مال التجاره در ردیف اسناد تجاری آمده و در
ماده ۲۰۹ همان قانون حواله نقدی ، اوراق قرضه غیر دولتی شبیه برات و سفته تلقی شده ،
مضافاً " براینکه قانونگذار اضافه میکند اسناد نظائر آن نیز همین حکم را خواهند داشت ،
بدون اینکه ضابطه ای برای وجه اشتراک آنها بدست دهد . . .

از بررسی اجمالی متون قانونی نه تعریف اسناد تجاری و نه مصادیق معین آن بدست
نمی آید . و حال آنکه مطالعه تطبیقی در این زمینه ، بویژه در حقوق تجارت فرانسه که منبع
اصلی حقوق تجارت کشور ما بحساب می آید ، این نوع اسناد مفهومی با حدود و ثغور مشخص
و مصدق معینی دارد از جمله اینکه بارنامه دریائی نظر به اینکه معرف پول نبوده بلکه متضمن
کالاست از دایره شمول اسناد تجاری بمعنی مورد نظر خارج است . این امر نه تنها مستنبط
از مواد قانون تجارت فرانسه است بلکه هم در آنجا وهم در نظام حقوقی در کشورهای مبتنی
بر نظام حقوق فرانسه مورد قبول اکثر قریب باتفاق مولفین حقوق تجاری است . در ایران ،
آراء و عقاید علمای حقوق تجارت مناسفانه کمک چندانی به روشن شدن مفهوم و مصادیق
اسنادی تجاری نمی کند .

۲- از نقطه نظر دکتربین

مولفین حقوق تجارت ایران نیز در تعریف اسناد تجاری و مصادیق اتفاق رای و جزم
چندانی ندارند . در این مقاله به پاره ای از اهم نظرات اشاره میشود :

استاد اعظمی زنگنه در کتاب خود می نویسد :

" اسناد تجاری بمعنی اعم عبارتست از کلیه اسنادی خواهد بود که در تجارت مستعمل
است و در اینصورت عده آنها محدود نمی باشد . ولی بمعنی اخص مقصود از اسناد تجاری

اسنادی است که قانون تجارت برای آنها مزایای مخصوص قائل شده است که مهمترین آنها ضمانت کلیه اشخاصی است که آنها را امضا می‌نمایند... (۱)؛

استاد زنگنه پس از این مقدمه کلی ولی درست و منطقی، بدون اینکه تعریفی از اسناد تجاری بعمل آورد، به ذکر افراد و مصادیق آن پرداخته می‌نویسد:

"... باین معنی اسناد تجاری محدود و معین میگردد و برحسب قوانین کشورها عده آنها کم و زیاد میشود. در قانون تجارت ایران اسناد تجاری عبارتند از برات و سفته (فته طلب) و چک، در سایر کشورها غالباً "یک سند دیگر هم میشود و آن وارانست است" (۲) دکتر حسن ستوده تهرانی اسناد تجاری را بشرح زیر توصیف می‌کند:

"اسناد تجاری صرف نظر از معنی کلی که ممکن است داشته باشند و بکلیه اسنادی که بین تجار رد و بدل شوند تعمیم داده شوند معمولاً اسناد و اوراقی می‌باشند که قابل معامله بوده و معرف طلبی بسر رسید مدت کم می‌باشد" (۳)

و سپس درصدد ذکر افراد و مصادیق آن برآمده می‌گوید:

"مهمترین انواع اسناد تجاری عبارتند از: برات، سفته، چک قبض رسمی انبار، سهام و برگهای قرضه" (۴)

دکتر مرتضی نصیری، در جزوه درس حقوق تجارت خود تحت عنوان مقدمه، اسناد بازرگانی می‌نویسد:

"اسناد بازرگانی برحسب تعریف کلی عبارتست از اسنادی که قابل پرداخت بحواله کرد یا در وجه حامل بوده و توسط صادر کننده با مضا، رسیده باشد و متضمن تعهد بدون قید و شرط پرداخت مبلغ معین در سر رسید معینی در آینده یا بصرف مطالبه باشد" (۵)

(۱) دکتر عبدالحمید اعظمی زنگنه، جزوه^۶ یاد شده، ص ۲۲۱

(۲) دکتر عبدالحمید اعظمی زنگنه، جزوه^۶ یاد شده، ص ۲۲۱

(۳) دکتر حسن ستوده^۶ تهرانی، کتاب یاد شده، ص ۳

(۴) دکتر حسن ستوده^۶ تهرانی، کتاب یاد شده ص ۳

(۵) دکتر مرتضی نصیری، مقدمه بر اسناد بازرگانی، جزوه پلی کپی شده دانشکده^۶

حقوق و علوم سیاسی، ص ۱

و مؤلف سپس اضافه می‌کند که: "اسناد بازرگانی دارای ویژگی‌هایی است که آنرا از قرار دادهای معمولی بکلی متمایز میگرداند" (۱)

دکتر نصیری برات و سفته‌را نمونه بارز اسناد بازرگانی بحساب می‌آورد بدون آنکه در صدد احصاء مصادیق کامل آن باشد.

برخی دیگر از مولفین حقوق تجارت وجوه امتیازی بین انواع اسناد تجاری از نظر کلی قائل شده، کلیه اسنادی را که "در دادوستد های روزانه بین بازرگانان و اشخاص بکار می‌روند" اسناد بازرگانی دانسته‌اند. (۲)

و سپس می‌افزاید: "این اسناد از نظر تعهد و تضمینی که دارند و در واقع امضاءهای زیر آن اسناد ضمانت‌ها و تعهدات را مسجل می‌سازند، دارای مزایای خاص میباشند. در باب چهارم قانون تجارت، تحت عنوان (برات، فته طلب و چک) اسناد بازرگانی و شکل آنها و شرایط تنظیم آنها و وظائف... توضیح داده شده است (۳)

در تألیفات بعضی دیگر از مولفین حقوق تجارت، پس از تعریف سند بشرح مندرج در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی، چنین آمده که: "اسناد تجاری خارج از شمول تعریف سند رسمی هستند بناچار اسناد عادی تلقی خواهند شد. معذالک مزایایی بر اسناد عادی دارند که آنها را برزخ اسناد عادی و رسمی قرار می‌دهد و باین جهت اطلاق "اسناد تجاری" به آنها میشود ۴ بنظر اینعده ردیف کردن سه سند عمده تجاری برات، فته طلب، چک در ذیل باب چهارم نشان میدهد که قصد مقنن ایجاد مقرراتی برای عمده‌ترین اسناد تجاری معمول بوده است... (۵)

و سپس اضافه می‌کنند که: "قطع نظر از اسناد سه‌گانه، در امور تجاری و روابط بازرگانان و افراد دیگر مدارک تجاری نیز شایان دقت است و این مدارک عبارتند از صورت حساب بانکها در مورد احوال و خواست دفتر و صورت حساب دلال، فاکتورها و اسناد خرید و فروش، نامها و تلگرامها، دفاتر بازرگانی" (۶).

(۱) دکتر مرتضی نصیری، جزوه یاد شده، ص ۱

(۲) دکتر منصور راستین، کتاب یاد شده، ص ۲۳۷

(۳) دکتر منصور راستین، کتاب یاد شده، ص ۲۳۷

(۴) دکتر حسینقلی کاتبی، کتاب یاد شده، ص ۱۸۳

(۵) دکتر حسینقلی کاتبی، کتاب یاد شده، ص ۱۸۴

(۶) دکتر حسینقلی کاتبی، کتاب یاد شده، ص ۱۸۴

وبالاخره چنین نتیجه‌تی گیرند که: قبض انبار یا وارانته در اکثر کشورهای متمدن جزء اسناد تجارته بشمار می‌آید و آن عبارت از نوشته‌ای است که رسید مقدار مشخصی کالا است که در انبار یا مغازه عمومی سپرده شده است" (۱)

برخی دیگر را این نظر است که "اسناد تجارته بطور مطلق عبارت از کلیه اسنادی هستند که بین تجار در دادوستد روزانه رد و بدل می‌شوند. انواع آنها متفاوت و بسته بوضعیت و نوع کار تجار زیاد یا کم است. ولی در اصطلاح حقوق تجارت، اسناد تجارته عبارت از اسنادی است که قانون تجارت از آنها نام برده و آنها را در تحت شرایط خاصی قرار داده است... (۲) بطوریکه ملاحظه می‌شود در آراء و عقاید مؤلفین حقوق تجارت کشور ما نه فقط اتفاق نظری بچشم نمی‌خورد، بلکه اختلاف در مفهوم و افراد اسناد تجارته فاحش است. آراء ارائه شده، خالی از ایراد و انتقاداتی نیست:

اولاً: استاد اعظمی زنگنه اصلاً تعریفی از اسناد تجارته بعمل نیاورده ولی بحق مفهوم خاصو عام آنها را متذکر شده، افراد محدود آنرا عنوان می‌سازد. استاد زنگنه در طرح موضوع از منابع و تالیفات حقوق تجارت فرانسه بهره‌گیری نموده، اینکه می‌نویسد "در سایر کشورها غالباً یک سند دیگر هم اضافه میشود و آن وارانته است" بیشتر به کشور فرانسه نظر دارد. تعریف دکتر ستوده^۳ تهرانی از جهات مختلف، ناقص است:

اولاً "اسناد تجارته صرفاً" بین تجار رد و بدل نمیشود. اشخاص عادی نیز با آن سرو کار دارند.

ثانیاً: هر ورقه و سندی که قابل معامله بوده و معرف طلبی بسر رسید مدت کم باشد تجارته بمعنی اخص کلمه محسوب نمیشود.

ثالثاً: در ذکر افراد و مصادیق اسنادی تجارته، به اسنادی اشاره شد که خارج از دائره شمول تعریف مذکور است: مثل سهام و برگهای قرضه سهام چنانکه خواهیم دید اصولاً "سرر سید ندارد. برگهای قرضه علی القاعده معرف طلبی بسر رسید بلند مدت است.

دکتر نصیری، بر حسب کلی، تعریف نسبتاً "جامع و مانعی از اسناد بازرگانی بعمل آورده ولی چنین بنظر می‌رسد که مولف از یکسوز تألیفات نظام حقوقی انگلوساکسن تأثیر پذیرفته و از سوی دیگر مقایسه اسناد بازرگانی با قراردادهای معمولی او را قلمرو اسناد تجارته بمعنی اخص

(۱) دکتر حسینقلی کاتبی، کتاب یاد شده، ص ۱۳۸ ببعد

(۲) دکتر حسینقلی کاتبی، کتاب یاد شده، ص ۱۸۳

دور ساخته است .

وصف اسناد بازرگانی بر اینکه اسنادی است که در داد و ستد های روزانه بین بازرگانان و اشخاص بکار می رود (۱) اصولاً "تعریف نیست تا قابل نقد و ائقادی باشد . بعلاوه در ذهن این دسته از مولفین خلط مبحث بعمل آمده ، نه تنها وجه افتراقی بین انواع اسنادی تجاری بعمل نیامد بلکه مباحث باب چهارم و پنجم قانون تجارت ۱۳۱۱ را به یک دیده نگریسته ، از جمله سهام بی نام ، سفته های در وجه حامل ، چک های در وجه آورنده را در ردیف اسناد در وجه حامل آورده مشمول مقررات آن دانسته اند (۱) و حال آنکه اگر چه به تعبیری سفته در وجه حامل یک در وجه آورنده ، اسناد در وجه حامل می باشند ولی این نوع اسناد (چک و سفته) موضوعاً " و ماهیتاً " و شکلاً " خصوصیات را در بردارند که آنها را " اسناد در وجه حامل " موضوع باب پنجم قانون تجارت جدا می سازد .

به نظر دکتر حسینقلی کاتبی این ایراد وارد است که
اولاً " ماهیت و طبیعت اسناد تجاری را نادیده گرفته ، آنها را برزخ اسناد عادی و رسمی قرار میدهد .

ثانیاً " : با عنوان نمودن مدارک تجاری بنوعی دچار بدعت شده ، الفاظ نامانوس دیگری را وارد فرهنگ حقوق تجاری میکند .
ثالثاً " با ذکر اینکه قانونگذار تجارت با ردیف کردن سه سند عمده تجاری برات ، فته طلب و چک صرفاً " قصد ایجاد مقرراتی برای عمده ترین اسناد تجاری معمول را داشته محقق را وامی دارد تا در صدد یافتن غیر عمده ترین این اسناد برآید ، ولی متأسفانه تلاش در این زمینه بجائی نمی رسد جز اینکه بنام قبض انبار و واراننت برمی خورد که " در اکثر کشورهای متمدن جز اسناد تجاری بشمار می آید " و جائی در کتاب مولف برای آن نیست !

نظر آن دسته از مولفین مبنی بر اینکه اسناد تجاری بطور مطلق انواعی دارد و بسته بوضعیت و نوع کار تجار زیاد و یا کم میشود ولی در اصطلاح حقوق تجارت اسنادی است که

(۱) دکتر منصور راستین ، کتاب یاد شده ، ص ۲۳۷

(۲) دکتر منصور راستین ، کتاب یاد شده ، ص ۲۳۷

قانون تجارت از آنها نامبرده ... (۱) ، نظر نسبتاً "درستی است ولی متأسفانه گره‌های از کار مفهوم و مصادیق اسناد مذکور باز نمیکند .

مطالعه تطبیقی اسناد تجاری در نظام‌های حقوقی مختلف از یک سو و بررسی موضع و موقع اسناد مذکور در حقوق ایران با مرور اجمالی متون متفرقه قانونی و طرح آراء و عقاید گوناگون مولفین حقوق تجارت از سوی دیگر ، نکاتی چند را مقدمتاً " روشن میسازد :

اولاً : "از میان انبوه اسناد و اوراقی که در قلمرو تجارت وجود دارد ، همگی از مقام و موقعتی یکسان برخوردار نبوده ، برخی ویژگی‌ها و مزایائی را در بر دارند ؛ عبارت دیگر اسناد تجاری دارای مفهوم دوگانه‌ای است ، بمعنی اعم کلمه اسنادی است که در امر تجارت بین بازرگانان و غیر بازرگانان بکار رفته ، هر یک بنا به شکل و وضع خود آثار و خصوصیات را با توجه به مقررات قانونی ارائه می‌دهند . به این معنی اسکناس ، سهام شرکتها ، اوراق قرضه ، اسناد خزانه ، ضمانت نامه‌های بانکی ، اسناد اعتباری ، حوالجات ، بارنامه‌ها اعم از دریائی ، زمینی و هوائی ، قبوض انبارهای عمومی و غیره اسناد تجاری تلقی میشوند .

بمعنی اخص کلمه به اسنادی گفته میشود قابل نقل و انتقال و متضمن پرداخت مبلغ معینی به رویت یا سر رسید کوتاه مدت که بجای پول و سیله پرداخت قرار گرفته است ، از امتیازات و مقررات ویژه قانونی تبعیت می‌کنند .

دنباله دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی